

جنگ هند و پاکستان فعلاً یک شگفتانه داشته، جنگنده‌های چینی

آنونس جنگ چین – آمریکا



سیدمهدی طالبی

پژوهشگر حوزه بین‌الملل

در روزهای اخیر تنش‌ها میان هند و پاکستان بار دیگر به زو‌خورد کشیده شده است. پس از آنکه هفته گذشته تروریست‌ها با ورود از خاک پاکستان به کشمیر تحت کنترل هند، ۲۲ گردشگر را کشتند، دهلی‌نو اعلام کرد این حمله توسط اسلام‌آباد برنامه‌ریزی شده است. هند در تلافی این حمله مشکوک، روز چهارشنبه به مناطقی در داخل پاکستان حمله کرد که بلافاصله با پاسخ اسلام‌آباد زیان‌های قابل توجهی متوجه طرف هندی شد. تلفات طرفین اندک و به‌نوعی برابر است، اما از نظر زیان‌ها به‌ویژه در حوزه نظامی طرف هندی ضایعه عمیقی دیده است.

■ ■ ■

— **پیروزی‌های هوایی بی‌سابقه پاکستان**

منابع پاکستان اعلام کرده‌اند ۵ جنگنده هندی را سرنگون کرده‌اند. نخست‌وزیر پاکستان گفته این جنگنده‌ها توسط جنگنده چینی جی-۱۰ سی و موشک درپردر هوا به هوای پی‌ال-۱۵ که هردو ساخت چین هستند، سرنگون شده‌اند. این موشک بردی تا ۱۵۰ کیلومتر دارد. منابع محلی نیز سلفاط شدن چند جنگنده را تأیید کرده‌اند. این جنگنده‌ها در عمق ۶۰ الی ۷۰ کیلومتری داخل هند سقوط کرده‌اند. طی درگیری‌های سالال ۲۰۱۹ نیز نیروی هوایی پاکستان عملکرد خوبی داشت و موفق به سرنگونی یک جنگنده هندی شده بود. با این‌حال این جنگنده از نوع میگ-۲۱ بود که بسیار قدیمی به حساب می‌آید. پاکستانی‌ها ابتدا اعلام کردند این جنگنده را توسط اف-۱۶ آمریکایی خود سلفاط کرده‌اند اما سپس مدعی شدند با جی‌اف-۱۷ چینی سلفاط شده است. این دو جنگنده بسیار برتر از میگ-۲۱ هندی هستند و سلفاط کردن این جنگنده هرچند خاص بود، اما به پای تحولات کنونی نمی‌رسد؛ چه اینکه در آن برهه تنها یک جنگنده سافط شد؛ هرچند این تعداد کم می‌تواند به دلیل کوچک بودن ابعاد حمله آن زمان هند باشد.
باین‌وجود، حمله می ۲۰۲۵ هند به پاکستان بزرگتر بود. گفته می‌شود در نتیجه درگیری‌های هوایی، جنگنده‌هایی مانند سوخو-۳۰ روسی و همچنین میراژ-۲۰۰۰ و رافال اف-۳ هردو ساخت فرانسه که در اختیار نیروی هوایی هند بوده‌اند، سرنگون شده‌اند. از نظر تعداد و پیشرفته بودن جنگنده‌ها، این یک دستاورد مهم برای پاکستان است. گفته می‌شود رسانه‌های محلی هندی سقوط ۴ فروند را تأیید کرده‌اند. هرچند نمی‌توان اطمینان بالایی به این موضوع داشت.

■ ■ ■

شطرنج هند و پاکستان؛ ذهن خوانی چه کسی بهتر است؟



میراحمدرضا مشرف

پژوهشگرمسئول بین‌الملل

بالاخره‌هم‌ان‌طور‌که‌پیش‌بینی می‌شد، عملیات نظامی هند علیه پاکستان بامداد روز گذشته به وقوع پیوست؛ عملیاتی با نام «سپندرو» که به نقل از منابع نظامی هند، ۹ نقطه از پاکستان را هدف قرار داد. این حمله نظامی پس از تنش‌های سیاسی گسترده میان دو کشور بر سر حمله تروریستی پهلگام در جامو و کشمیر تحت کنترل هند رخ می‌دهد؛ حمله‌ای که به کشته و زخمی‌شدن ده‌ها نفر انجامید و دهلی‌نو پاکستان را مسئول مستقیم آن می‌داند. اما در شرایطی که اسلام‌آباد نیز با هدف قرار دادن برخی مناطق در محدوده کشمیر متعلق به هند، به‌نوعی به عملیات نظامی هند واکنش نشان داد، اکنون همه منتظر آنند که ببینند در نهایت سرنوشت این منازعه به کجا خواهد انجامید؟ درعین حال واکنش کشورهای دیگر در قبال این تقابل هم می‌تواند درخور توجه و تأمل باشد؛ اینکه آن‌ها در منازعه میان دو قدرت اتمی جهان، چه ملاحظات و نگرانی‌ها و درعین حال چه منافع را دنبال می‌کنند؟

■ ■ ■

— **واقع‌ه تروریستی پهلگام**

آیا پاکستان مسئول اصلی این رخداد است

تنش اخیر میان هند و پاکستان از زمانی آغاز شد که واقع‌ه تروریستی پهلگام حدود دو هفته قبل و در منطقه کشمیر تحت کنترل هند به وقوع پیوست. در این حادثه ده‌ها غیرنظامی کشته و زخمی شد و گروهی موسوم به جبهه مقاومت کشمیر (تی‌آراف) مسئولیت این حملات را بر عهده گرفت. در مورد جبهه مقاومت کشمیر گفته می‌شود که نام این گروه برای نخستین‌بار در سال ۲۰۲۰ و پس از قتل پنج کماندوی نظامی هند بر سر زبان‌ها افتاد و دهلی‌نو نیز در سال ۲۰۲۳ این گروه را در فهرست گروه‌های تروریستی طبقه‌بندی کرد. این گروه هدف اعتراض بسه تغییرات در ترکیب جمعیتی کشمیر و اسکان بیش از ۸۵ هزار نفر غیر بومی در کشمیر را هدف خود از عملیات عنوان کرد.

اما در مورد مسئولیت مستقیم پاکستان در وقوع این حملات، هند تاکنون شواهد و یا مدارک مستند و دقیق ارائه ندهد، بلکه صرفاً بر دستگیری تعدادی از مظنونین از اتباع کشور پاکستان تأکید داشته است. درحالی‌که مقامات اسلام‌آباد صراحتاً هر گونه دست داشتن در این رخداد تروریستی را رد می‌کنند، آنچه باعث تقویت سوء ظن‌ها به پاکستان شده است، سخنان ژنرال عاصم منیر رئیس ارتش پاکستان در رابطه با کشمیر و روابط دو ملت پاکستان و هند است که درست به فاصله چند روز قبل از رخداد پهلگام بیان شد. براین اساس عاصم منیر در جمع پاکستانی‌های خارج از کشور، کشمیر را «شمارگرجیاتی» پاکستان و مسئله‌ای می‌خواند که پاکستان هیچ‌گاه از آن دست نخواهد کشید.

علاوه بر این وی بر تمایزهای موجود میان دو ملت پاکستان و هند تأکید کرده و آن‌ها را قابل جمع نمی‌داند؛ چراکه پاکستان تنها کشوری در جهان است که با نام خدا و کلمه توحید شکل گرفته است. به نظر می‌رسد همین اظهارات دست‌انویز خوبی برای هند ایجاد می‌کند تا پاکستان و به‌خصوص ارتش این کشور را مسئول مستقیم این حملات تلقی کند. البته در این بین دیدگاه و نظرات قابل اعتنایی هم در داخل پاکستان در زمینه ارتباط عاصم منیر با این حمله تروریستی مطرح شده است.

درواقع این باور در میان برخی مردم پاکستان شکل گرفته که عاصم منیر و ارتش برای انحراف افکار عمومی از چالش‌های داخلی و ایجاد فضای وحدت و یکپارچگی در کشور، برنامه‌ریزی چنین عملیاتی را ترتیب داده‌اند. در نهایت همه این‌ها در مضایعی از گمانه‌زنی مطرح شده و نه منابع هند و نه مخالفان عاصم منیر و ارتش در داخل، استنادات معتبری در این زمینه ندارند.

جنگنده‌های چینی

سلفاط شدن جنگنده‌های هندی اهمیت بالایی دارد و دلایلی پشت آن موجود است.

۱- **برتری نیروی هوایی پاکستان در شایسته‌سالاری، آموزش و نظم**
علی‌رغم برتری پاکستان بر هند طی جنگ‌های اولیه دو کشور، به‌مرور هند به دلیل اقتصاد قوی‌تر و جمعیت بیشتر برتری خود بر پاکستان را ثابت کرد؛ اما این برتری کمتر شامل نیروی هوایی شد. مشهور است که نیروی هوایی پاکستان به دلیل شرایط ویژه مقابله با هند، بهترین استعدادها را شناسایی و آموزش می‌دهد. در مقابل اما در ارتش هند و به‌ویژه نیروی هوایی خویشاوندسالاری، پارتی‌بازی و فساد غوغا می‌کند. در سالال ۲۰۱۹ خلیان به‌اسارت گرفته‌شده جنگنده میگ-۲۱ هندی، ابهی نندن ورت‌ها فرزند ایش ورت‌ها فر مانده سباقی نیرو‌های هوایی هند بود که به طور خانوادگی در ارتش نفوذ دارند. عامل دیگر علاوه بر شایسته‌سالاری و توجه به آموزش در نیروی هوایی پاکستان نسبت به نیروی هوایی هند، مسئله نظم در این نیروست درحالی‌که در هند بی‌نظمی موج می‌زند.

۲- **موقعیت متفاوت حمله و دفاع**

در هر دو واقعه ۲۰۱۹ و ۲۰۲۵، پاکستان متهم است که با نفوذ دادن گروه‌های تروریستی، غائله را آغاز کرده است. در ادامه نیز پاکستان در برابر حمله هند موقعیت دفاعی گرفته و با با تو پخانه و موشک واکنش نشان داده است. اما در این میان، هند از نیروی هوایی خود برای حمله به خاک پاکستان بهره گرفته است. طی این درگیری‌ها در حالی‌که جنگنده‌های هندی در تعداد بالا و مسلح به سلاح‌های هوا به زمین بوده‌اند، نیروی هوایی پاکستان در خاک خود با سلاح‌های هوا به‌هوا و در موقعیتی بهتر با هندی‌ها درگیر شده است؛ چه اینکه جنگنده‌های هند برای نفوذ به خاک پاکستان از طریق مرزهای کوهستانی و همچنین برای پرتاب سلاح‌های خود به گرفتن ارتفاع نیاز داشته و در نتیجه زودتر توسط رادارهای پاکستانی شناسایی می‌شدند و به همین دلیل جنگنده‌های پاکستان می‌توانستند در خاک خود در میان کوه‌ها پنهان شده و ناگهانی به جنگنده‌های هندی حمله کنند.

۳- **سلاح‌های چینی**

نیروی هوایی پاکستان در سال‌های اخیر با فروکش کردن جنگ افغانستان و تغییر سیاست آمریکا در شبه‌قاره هند، دسترسی کمتری به سلاح‌های آمریکایی از جمله جنگنده‌های این کشور داشته است. از سوی دیگر به دلیل ارتباط ارو پا با هند و همچنین قیمت بالا، پاکستان بازار این قاره را نیز در جنگنده‌ها از دست داده است. باین حال اسلام‌آباد موفق شده در این مدت از سلاح‌ها و جنگنده‌های چینی بهره ببرد. این جنگنده‌ها ارزان‌تر از نمونه‌های غربی و

حتی روسی بوده و از سوی دیگر با شرایط مالی قابل تحمل برای پاکستان در اختیار این کشور قرار گرفته‌اند. طی سال‌های اخیر پاکستان به بلوک ۳ جنگنده جی‌اف-۱۷ و بالاتر از آن جنگنده جی-۱۰ سسری سی مجهز شده است. گفته می‌شود در درگیری‌های اخیر این جنگنده جی-۱۰ بوده که موفق به سلفاط کردن جنگنده‌های مطرح هند شده است.

جی-۱۰ جنگنده‌ای است که باف-۱۶ مقایسه می‌شود. چینی‌ها این جنگنده را به رادار و سامانه‌های شناسایی و همچنین موشک‌های پیشرفته هوا به هوا مجهز کرده‌اند. پاکستانی‌ها قصد دارند جنگنده‌سل پنجم FC-۳۱ را نیز خریداری کنند. درگیری اخیر نشان داد جنگنده‌های چینی پاکستان باتوجه‌به موقعیت دفاعی نیروی هوایی این کشور و موقعیت آفتدی هند، توانایی سد نفوذ نیروی هوایی دهلی‌نورا دارند. اگر جنگنده‌های نسل پنجم چینی نیز به نیروی هوایی پاکستان راه یابند، آنگاه خاک هند برای ضربه به پاکستان دشوارتر نیز خواهد شد. به‌ویژه آنکه قرارداد خرید جنگنده روسی نسل پنجم سوخو-۵۷ به ثمر نرسید و خبری نیز از خرید جنگنده نسل پنجم اف-۳۵ توسط هند نیست. این وضعیت به آن معنا نیست که پاکستان خواهد توانست به حرم هوایی هند نفوذ کند، اما این معنا را می‌دهد که آسمان این کشور و خطوط مرزی هند بر روی دهلی بسته خواهد بود. طی درگیری اخیر جنگنده‌های هندی در عمق چند ده‌کیلومتری خاک خود مورد اصابت قرار گرفتند که نشان می‌دهد آزادی عمل نیروی هوایی هند در خطوط مرکزی این کشور نیز از بین رفته است.

— **ذی‌نفعان وزیران دیدگان**

درگیری میان هند و پاکستان در محیط منطقه و جهان ذی‌نفعان و همچنین زیان‌دیدگانی خواهد داشت که در ادامه به این کشورها پرداخته شده است.

۱- **چین**

پاکستان نقش مهمی در کریدورهای اقتصادی ترکیبی چین در حوزه‌های دریایی، زمینی و هوایی دارد که ورود این کشور به یک جنگ می‌تواند آن‌ها را به خطر بیندازد. نقش دیگر پاکستان برای چین، همکاری در حوزه افغانستان است. از سوی دیگر در صورت درگرفتن یک جنگ و یا درگیری‌ها، انباشت نیروهای نظامی هند در کشمیر برای شرق چین دارای خطرات امنیتی است.

۲- **روسیه**

پس از تحریم‌های آمریکا، اروپا، ژاپن و کره‌جنوبی علیه روسیه، چین و هند به دو همکار اقتصادی اصلی این کشور تبدیل شدند. وقوع جنگ در هند و ایجاد بی‌ثباتی در آن و به‌علاوه سربایت اثرات بحران از شمال شبه‌قاره به افغانستان و آسیای میانه برای مسکو دردسرساز است.

شطرنج هند و پاکستان؛ ذهن خوانی چه کسی بهتر است؟

دور نگه اند، این رویکرد حتی بعد از تهاجم هند به پاکستان هم تداوم پیدا کرد، به طوری که وقتی از ترامپ در این زمینه اظهار نظر خواستند، او با کلماتی مبهم به این موضوع واکنش نشان داد: «شرم‌آور است! ما درست در زمانی که در دفتر بیضی قدم می‌زدیم، در مورد آن شنیدیم. حدس می‌زنم که مردم بر اساس گذشته می‌دانستند که اتفاق خواهد افتاد.» این نوع واکنش از جانب ترامپ تحلیل‌های زیادی را به همراه داشته است. در وهله اول از اظهارات ترامپ می‌توان این گونه برداشت کرد که دهلی‌نو شخص ترامپ و یا احتمالاً دولت آمریکا را در جریان جزئیات این حمله قرار نداده است. علاوه بر این برخی این واکنش ترامپ را دلیلی بر بی‌علاقگی و یا رویکرد او در عدم مداخله مستقیم در تحولات جنوب آسیا ارزیابی کرده‌اند. این ذهنیت هم وجود دارد که هم ترامپ و هم دیگر مقامات دولت او هنوز به ذهنیت دقیق و شفافی در قبال تحولات بین هند و پاکستان دست نیافته‌اند. از مواضع رویبنیو، وزیر خارجه آمریکا که بر تداوم تعامل با بهران دو کشور و دنبال کردن وضعیت میان دو کشور تأکید دارد، نیز شاید بتوان به این موضوع پی برد. از سوی دیگر آشنفگی کنونی که در تیم سیاسی و امنیتی ترامپ در نتیجه برکناری مشاور امنیت ملی به‌وجود آمده است، می‌تواند مزیت بر علت باشد تا واشنگتن را از یک موضع‌گیری شفاف و قاطع در برابر این چالش دور کند. ۲) چنین؛ پکن به عنوان شریک تجاری و متحد نزدیک اسلام‌آباد، از همان ابتدا پشتیبانی خود را از اسلام‌آباد در این مناقشه اعلام کرده بود. با این حال موضع پکن پس از حمله هند به خاک پاکستان، توأم با احتیاط بود چنان که در بیانیه وزارت خارجه چین در این زمینه، صرفاً به ابراز تأسف پسنده شد و عملاً صحنیتی از محکومیت تهاجم به میان نیامده بود. در واکنش پکن کلیشه درخواست از دو کشور برای خوشتنداری همچنان حفظ شده بود و البته در کنار آن، بر مخالفت چین با هر نوع اقدام تروریستی تأکید شده بود. این مسئله می‌تواند نشان‌دهنده دغدغه پایدار چین در مورد گسترش دامنه تروریسم در منطقه تلقی شود که بدون تردید سرزمین پاکستان سرمنشأ جدی آن است. ۳) روسیه؛ مسکو با توجه به روابط خوش با هر دو طرف رویکردی حتی محتاطانه‌تر از چین را در پیش گرفته است. در زمان حمله تروریستی پهلگام، روسیه از جمله اولین کشورهایایی بود که این مسئله را به‌شدت محکوم کرد و بر مخالفت این کشور با اشکال مختلف تروریسم و لزوم هم‌افزایی تلاش‌های بین‌المللی در مبارزه با تروریسم تأکید کرد. با حمله هند به پاکستان، کرملین بر حل اختلافات دهلی‌نو از طرق سیاسی و دیپلماتیک تأکید کرد. این فراخوان در واقع پاسخی به مودی و دولتش بود که بارها بر سپری شدن عصر حل مناقشات از طریق جنگ و لزوم پیگیری یک راه حل مسالمت‌آمیز در قضیه اوکراین، پافشاری کرده بودند. ارجاع هند و پاکستان به توافق شمیلال ۱۹۷۲ و بیانیه لاهور ۱۹۹۱ برای حل اختلافات، از دیگر نکات در خور توجه مواضع روس‌ها محسوب می‌شود.

۴) جهان اسلام؛ اختلافات تنش‌ها میان هند و پاکستان و به‌ویژه مسئله کشمیر همواره یکی از مسائل مورد توجه جهان اسلام بوده است. از این جهت پاکستان همواره و به طور سنتی روی حمایت جهان اسلام از خودش در برابر هند حساب باز کرده است. با این وجود مدتی است که تغییرات مهمی در این روند به‌وجود آمده است؛ برقراری روابط نزدیک‌تر میان هند و کشورهای اسلامی و به طور خاص جهان عرب، موجب کاهش حمایت از پاکستان در برابر هند و کم‌توجهی به مسئله کشمیر شده است. بر این اساس در تنش اخیر نیز شاهد سکوت و یا نهایتاً ابراز نگرانی کشورهای اسلامی نسبت به بالا رفتن تنش میان هند و پاکستان بودیم. در واقع نه قضیه کشمیر به شکلی جدی مطرح شد و نه حتی نسبت به تهاجم هند به خاک پاکستان اعلام محکومیت شد. حتی در جبهی بر عکس، دولت مودی اعلام کرد که پس از عملیات نظامی علیه پاکستان، رایزنی‌هایی با عربستان سعودی و امارات متحده عربی انجام داده است.

با این حال ترکیه استثنای مهمی در موضع‌گیری جهان اسلام بود. بر خلاف

۳- **ایران**

وقوع جنگ در شبه‌قاره می‌تواند میلیون‌ها مهاجر دیگر افغانستانی را که این بار از پاکستان آواره خواهند شد، راهی ایران کند. از سوی دیگر شیعیان پاکستانی نیز در امواج چند صد‌هزار نفر یا چند میلیون نفری راهی ایران خواهند شد. فشار اقتصادی و امنیتی مهاجران، ناامنی در مرزهای شرقی و دشوارشدن حفظ تعادل در رابطه‌با هند و پاکستان مشکلات تهران دراین خصوص هستند.

۴- **آمریکا**

آنچه برای آمریکا در تنش‌های هند و پاکستان اهمیت دارد ضرباتی است که این مسئله می‌تواند بر چین وارد کند. آسیب‌دیدن پاکستان به‌عنوان حلقه‌ای مهم در کریدورهای چین، مورد رضایت آمریکاست. از سوی دیگر هند نیز زیان‌دیده و در برابر فشارهای آمریکا برای تحریم روسیه، ناچار از همکاری خواهد بود. به دلیل گرفتاری روسیه در جنگ، مسکو نخواهد توانست تسلیحات دهلی را تأمین کند و هندی‌ها چاره‌ای جز نزدیکی بیشتر به آمریکا نخواهند داشت.

۵- **رژیم صهیونیستی**

وقوع یک جنگ بزرگ در آسیا و جهان نگاه‌ها را از جنگ غزه دور کرده و به صهیونیست‌ها فرصت خوبی برای توسعه جنایت‌هایشان می‌دهد. از سوی دیگر وقوع این جنگ با ناامن‌سازی پیرامون ایران، تمرکز تهران بر جناح غربی خود و محور مقاومت را کم می‌کند. از سوی دیگر گرفتاری چین و روسیه در تنش‌های شبه‌قاره می‌تواند به آزادی عمل آمریکا به‌عنوان اصلی‌ترین متحد رژیم صهیونیستی کمک کند.

۶- **انگلیس**

ریشی سوناک، نخست‌وزیر هندی‌تبار سابق انگلیس به نفع هند موضع‌گیری کرده است؛ اما دولت مستقر این کشور موضعی در ظاهر بی‌طرفانه اتخاذ کرده است. این احتمال می‌رود که دولت انگلیس تحت کنترل حزب کارگر به‌سه دلیل روابط نزدیک‌تری که با چینس دارد مواضع جانب‌دارانه‌ای به نفع هند اتخاذ نکند.

۷- **محور ترکیه و آذربایجان**

محور ترکیه و آذربایجان که در سال‌های اخیر پاکستان را نیز وارد ائتلاف خود کرده‌اند، به طور پوزنگی به حمایت از اسلام‌آباد پرداخته‌اند. این ائتلاف همکاری‌های نظامی و یژه‌ای داشته است. آذربایجان دست از خرید جنگنده‌های افسی-۱۷ چینی زده که در پاکستان مونتاژ می‌شوند، پاکستان خود نیز تنش‌های جنگی از ترکیه خریداری کرده است. نمود دیگر همکاری این محور جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ است.

■ ■ ■

دیگر کشور های جهان اسلام، ترکیه قاطعانه تهاجم هند را محکوم کرد و خود را در قامت حامی پاکستان نشان داد. این موضوع می‌تواند از یک‌سو روند رو به رشد نزدیکی روابط میان آنکارا و اسلام‌آباد را باز توصیف کند و از سسوی دیگر بر تقویت میان عربستان و ترکیه برای نفوذ در پاکستان و حتی در رهبری جهان اسلام صحنه گذارد.

در این بین وضعیت افغانستان تحت حاکمیت طالبان تا حدی برخین‌تر از دیگران به نظر می‌رسد. از زمان آغاز تنش میان هند و پاکستان و به خصوص پس از حمله نظامی هند، طالبان تلاش کرده‌اند تا رویکرد خود را در قبال این بحران بی‌طرفانه نشان دهند. اما روابط رو به گسترش آن‌ها با هند و از آن مهم‌تر دیدار مقامات طالبان و نمایندگان هند در اوج تنش‌ها دهلی و اسلام‌آباد، زمینه سوظن شدید پاکستان به طالبان را فراهم کرده است. این در حالی است که یکی از اهداف اصلی پاکستان در حمایت از طالبان طی چند دهه اخیر، دستیابی به یک عمق استراتژیک در برابر هند بوده است. اما اکنون با موضع‌گیری‌های طالبان و روابط نزدیک آن‌ها با هند، کاملاً نقض غرض شده است. البته این اعلام بی‌طرفی و عدم حمایت از پاکستان و کشمیر در برابر هند برای طالبان هم می‌تواند بهای سنگینی به دنبال داشته باشد. طالبان نباید این نکته را نادیده بگیرد که وزن عناصر ضد هندی و حامی کشمیر هنوز هم در میان طالبان زیاد است. به عنوان مثال تشکیل واحد «پانی پت» (برگرفته از جنگ‌های موفق احمد شاه ابدالی با هندوها) در وزارت دفاع طالبان خود می‌تواند نشان از تداوم رگه‌های هندو ستیزی در میان وزارت خارجه باشد. بر همین اساس اقدام زیرکانه پاکستان در نام‌گذاری یک موشک جدید این کشور به نام «ابدالی» را هم باید در همین چهارچوب توجیه کرد؛ اینکه پاکستان گذشته مشترک مسلمانان در برابر هند را به طالبان یادآوری می‌کند.

اما مواضع جمهوری اسلامی ایران در تنش اخیر میان پاکستان و هند نیز می‌تواند درخور توجه باشد؛ اینکه تهران صرفاً به رویکرد منفعلانه در ابراز نگرانی و یا درخواست رفع تنش بسنده نکرده و به اتخاذ یک دیپلماسی فعال روی آورد. سفر آقای عراقچی به پاکستان و سفر قریب‌الوقوع وی به هند، می‌تواند گواهی بر تمایل و تلاش عملی ایران به حل و فصل مناقشات جهانی و منطقه‌ای از طریق گفت‌وگو باشد. البته این میانجیگری صرفاً جنبه نمادین و یا تبلیغاتی ندارد، چراکه روابط و همکاری‌های خوب ایران با هر دو کشور هند و پاکستان، و در کنار آن عضویت مشترک با آن‌ها در پیمان‌های مهم جمعی همچون شانگهای، این پتانسیل را در اختیار ایران قرار می‌دهد که در نقش یک میانجی مورد تأیید هر دو طرف حاضر شود.

— **ذهن خوانی چه کسی بهتر بوده است؟**

به نظر می‌رسد بحران نظامی میان پاکستان و هند را باید در همین جا خاتمه یافته تلقی کنیم، اما برای اینکه بدانیم چه کسی برنده نهایی این تقابل سیاسی و نظامی بوده است، باید به نتایج و دستاوردهای هر دو طرف از این مناقشه توجه کنیم. هندی‌ها در این مناقشه چیزی‌ها را باختند، از جمله اینکه کشمیر یکبار دیگر در صدر اخبار جهانی قرار گرفت و بر خلاف دیدگاه‌های خود در مورد عبور از عصر جنگ، خودنیز به همین وسیله متوسل شدند. اما آن‌ها هنوز از ابزارهای قوی ب‌ز به‌رخوردارند که مهم‌ترین آن مسئله آب‌سند و معاهده آبی تعلیق شده از جانب آنهاست. اما در طرف مقابل به نظر می‌رسد که پاکستان و شخص عاصم منیر، رئیس ارتش این کشور دستاوردهای بیشتری کسب کرده است؛ بازگشت کشمیر به صدر اخبار جهان، تثبیت موقعیت ارتش در داخل، قرار دادن طالبان در تنگنای سیاسی، توجه دوباره جهان اسلام و به‌خصوص اعراب به پاکستان، جذب کمک احتمالی بیشتر برای ارتش و انسجام و وحدت داخلی، هر چند موفق در پاکستان. در نهایت شاید اگر ذهن خوانی هند و مودی از بازی شطرنج عاصم منیر بهتر می‌بود، در این شرایط خود را گرفتار یک درگیری نظامی با پاکستان نمی‌کردند.

فره‌نخجگان

جهان‌شن



پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۴



شماره ۴۴۰۶



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

